

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه‌ی بحث گذشته

در صورت دوم، وجوب نفسی صلاة و اشتراط آن به وقت مفروض است، اما نسبت وجوب طهارت با وقت مردّد میان اطلاق و اشتراط است. بر پایه تقریر محقق نائینی، باید سه محور شک را تفکیک کرد و در هر یک، اصل عملی مستقل جاری ساخت: ۱- شک در تقييد متعلق صلاة به وضوء، که مجرای اصالة البراءة از قید زائد است و نتیجه آن نفی تقييد و اثبات نتیجه الاطلاق در جانب صلاة و نفسیت در جانب وضوء است؛ ۲- شک در وجوب نفسی وضوء قبل از وقت، که اصالة البراءة از الزام پیش از وقت را اقتضا می‌کند و به لحاظ اثر، نتیجه‌ای هم‌ساز با غیریت دارد (اگر وجوبی باشد، به بعد از وقت اختصاص می‌یابد)؛ ۳- شک در وجوب بعدالوقت نسبت به کسی که قبل‌الوقت متطهر شده، که باز اصالة البراءة جاری و الزام جدید پس از وقت را نفی می‌کند (نتیجه‌ای به سود نفسیت در حقّ متطهر قبل‌الوقت). این سه اصل، به سبب تفاوت موضوع و ظرف اجرا، با یکدیگر تعارض ندارند و نیاز به طرح انحلال حکمی نیز منتفی است. در برابر، آیت‌الله خوئی بر اساس قاعده تنجیز علم اجمالی در تدریجیات، صورت را به دو فرض می‌سپارد: اگر نفسیت محتمل مقید به قبل‌الوقت باشد، علم اجمالی بین لزوم وضوء قبل از وقت و لزوم وضوء بعد از وقت، مجالی برای برائت در هیچ‌یک نمی‌گذارد و مقتضای آن احتیاط است؛ یعنی اتیان وضوء پیش از وقت، که در بقا، برای بعد از وقت مجزی است و در بطلان، تدارک می‌شود. اگر نفسیت محتمل مطلق باشد، تحلیل ایشان نیز به منع برائت مؤثر در دو طرف و احتیاط می‌انجامد؛ هرچند در خصوص عدم لزوم اعاده وضوء باقی‌مانده پس از وقت، به برائت از قید وقوع بعدالوقت تمسک می‌شود. برآیند آن‌که در صورت دوم، مسلک محقق نائینی با سه جریان بی‌معارض برائت، نتیجه‌ای منسجم و بدون تعارض اصول به دست می‌دهد؛ در مقابل، مبنای محقق خوئی به جهت تنجیز علم اجمالی زمانی، به احتیاط رهنمون می‌شود. محور تمایز، تفکیک دقیق مجعول، ظرف حکم، و حیث‌های متفاوت شک است.

اشکال محقق خوئی بر کلام محقق نائینی در صورت دوم

در تعلیقه و نیز در محاضرات، آیت‌الله خوئی قدس سره صورت دوم را - که در آن اشتراط «خصوص وجوب نفسی معلوم» به وقت مفروض است و نسبت وجوب طهارت با زمان محلّ تردید - بر پایه نسبت «وجوب نفسی محتمل وضوء» با ظرف زمان دوشاخه می‌کند و بر مبنای قاعده «تنجیز علم اجمالی در تدریجیات» مسیر اصول عملی را معین می‌سازد. لبّ کلام آن است که اگر نفسیت محتمل برای وضوء «منحصر در قبل‌الوقت» فرض شود، علم اجمالی «قبل یا بعد» منجز بوده و مجالی برای برائت در هیچ‌یک از دو طرف نمی‌گذارد؛ و اگر نفسیت محتمل «مطلق» نسبت به زمان باشد، «برائت از وجوب قبل‌الوقت» سالبه به انتفاء موضوع است، و تکلیف پس از وقت منجز خواهد بود. در عین حال، اگر مکلف قبل از وقت وضوء گرفته باشد، اعاده وضوء پس از وقت لازم نیست؛ زیرا تقييد «وقوع وضوء حتماً بعدالوقت» مشکوک است و برائت نسبت به این قید زائد جاری می‌شود. در ادامه، هر یک از دو فرض در اشکال محقق خوئی، به تفصیل تبیین می‌گردد.

فرض نخست: نفسیت محتمل وضوء «مقید به قبل‌الوقت»

دوران امر میان دو الزام زمانی متباین تحقق دارد: ۱- لزوم اتیان وضوء قبل از وقت، در فرض ثبوت وجوب نفسی مقید به قبل؛ ۲- لزوم اتیان وضوء پس از وقت، در فرض ثبوت وجوب غیري تابع صلاة. به تعبیر روشن، مکلف علم اجمالی دارد که یا الآن

وضوء بر عهده اوست یا بعد از دخول وقت. بر مبنای آقای خوئی، «تنجّز علم اجمالی» اختصاص به دفعیات ندارد، بلکه در تدریجیات (ظروف زمانی) نیز به همان ملاک ثابت است. از این رو، استناد به برائت در هیچ یک از دو طرف، مجاز نیست؛ زیرا جریان برائت در هر دو سوی و من حیث المجموع، ملازم با مخالفة قطعیة عملیة خواهد بود. نتیجه اصولی و امتثالی آنکه مرجع، احتیاط است. سلوک احتیاطی صحیح آن است که مکلف وضوء را «قبل از وقت» بیاورد تا اگر وجوب نفسی مقید به قبل ثابت بود، امتثال شده باشد؛ و در فرض غیریت نیز همان وضوء - در صورت بقای طهارت - برای نماز پس از وقت کفایت می کند. آری، اگر وضوء قبل از وقت باطل گردد، به مقتضای حکم عقل به احتیاط، پس از وقت و قبل از صلاة، وضوء اعاده می شود تا وظیفه معلوم امتثال یابد. در این صورت، شک در نفسیت وضوء مقید به قبل الوقت مجرای احتیاط خواهد بود و با احتمال تقید صلاة به وضوء در جانب ماده دلیل «صلّ» معارض خواهد بود.

توضیح مهم: مراد از نفی جریان برائت در این فرض، نفی برائت نسبت به «اصل دو الزام زمانی متباین» است؛ نه اینکه اگر قبل از وقت وضوء گرفت و آن وضوء تا بعد از وقت باقی ماند، الزام به اعاده حتماً ثابت باشد. بلکه «لزوم وقوع وضوء حتماً بعدالوقت» عنوانی زائد و مشکوک است و نسبت به این قید خاص، اصل ترخیصی جریان دارد و اعاده را نفی می کند.

فرض دوم: احتمال نفسیت مطلق نسبت به وضوء

اگر وجوب وضوء نفسی باشد، به اطلاق زمانی خود باقی است و اختصاصی به قبل الوقت ندارد؛ و اگر غیری باشد، تابع وجوب صلاة و بالتبع «پس از وقت» است. در این ساختار، «برائت از وجوب قبل الوقت» اصلاً معنای قابل اعتنایی نمی یابد؛ زیرا برائت، «رفع ضیق» از مکلف است نه «رفع سعه و اطلاق». وقتی نفسیت - بر تقدیر ثبوت - مطلق است، تقیید به «قبل» اصلاً در دایره احتمال نیست تا موضوع مستقلی برای برائت فرض شود. در نتیجه، پس از دخول وقت، تکلیف واقعی نسبت به وضوء منجّز است؛ زیرا علم اجمالی حاصل است که «وجوب وضوء» یا نفسی است (به اطلاق) یا غیری (به عنوان شرط صلاة). بدین جهت، برائت از هر دو در عرض واحد ممکن نیست و عقل، حکم به احتیاط و امتثال قطعی می کند.

اثر امتثالی: اگر مکلف تا دخول وقت وضوء نگرفته باشد، باید پس از وقت وضوء بگیرد و سپس صلاة را اتیان کند؛ و اگر پیش از وقت وضوء گرفته باشد، «اعاده وضوء پس از وقت» لازم نیست. ملاک عدم لزوم اعاده آن است که تقیید «وقوع وضوء حتماً بعدالوقت» - حتی بر تقدیر غیریت - مجهول و مشکوک است و «أصالة البراءة» نسبت به این قید حدوئی جریان دارد؛ بنابراین، وضوء سابق (در فرض بقای طهارت) کفایت می کند.

صورت بندی اشکال نسبت به تقریر محقق نائینی

بر پایه دو فرض فوق، خللی که مرحوم خوئی بر تقریر استادشان، محقق نائینی، وارد می دانند در دو نکته خلاصه می شود:

در فرض نخست (نفسیت مقید به قبل الوقت): علم اجمالی «قبل یا بعد» در ظرف زمان، راه برائت از دو طرف را مسدود می کند. بنابراین، سه گانه برائت هایی که در بیان پیشین تصویر شده بود - برائت از تقیید صلاة به وضوء، برائت از وجوب قبل الوقت، و برائت از وجوب بعدالوقت نسبت به متوضی قبل الوقت - دست کم در فرض «قبل و بعد الوقت» با مانع تنجّز علم اجمالی روبه روست. به ویژه برائت از تقیید، به معارضه با برائت از وجوب نفسی قبل الوقت مبتلا می شود و هر دو سقوط می کنند.

در فرض دوم (نفسیت مطلق): «برائت از وجوب قبل الوقت» موضوع ندارد و تنها مجرای صحیح برائت، نفی قید «وقوع وضوء حتماً بعدالوقت» است تا اعاده لازم نشود. نتیجتاً، آنچه در تقریر محقق نائینی به عنوان رجوع به برائت در «جهات مزبوره» آمده، به تصریح آقای خوئی، جز در «جهت اخیر» تمام نیست. ایشان در أجود التقريرات، پس از تقسیم دو گانه، تصریح می کند:

أما إذا كان الوجوب النفسي على تقدير ثبوته متعلقاً به غير مقيد بإيقاعه قبل الوقت فلا معنى للرجوع إلى أصالة البراءة عن وجوبه قبل الوقت أصلاً... و أمّا إذا توضحاً قبله فلا يجب عليه إعادة الوضوء بعد دخوله لأنّ تقیید الوضوء بوقوعه فيما بعد الوقت و لو

على تقدير كون وجوبه غيرياً مجهول فيرجع معه إلى البراءة... و ممّا ذكرناه يظهر الخلل فيما أفاده شيخنا الأستاذ قدّس سره في المقام فلا تغفل.[1]

و در محاضرات نیز با همان منطق، محور تمایز را روشن می‌سازد:

... و على الثاني فلا معنى لإجراء البراءة عن وجوب الوضوء قبل الوقت، و ذلك لعدم احتمال تقيده به، و قد ذكرنا غير مرّة أنّ مفاد أصالة البراءة رفع الضيق عن المكلف لا رفع السعة و الإطلاق. وأمّا بعد الوقت فيحكم العقل بوجوب الوضوء، و ذلك للعلم الإجمالي بوجوبه إمّا نفسياً أو غيرياً... نعم لو شكنا في وجوب إعادة الوضوء بعد الوقت على تقدير كونه غيرياً أمكن رفعه بأصالة البراءة... و قد تحصل من ذلك أنّ ما أفاده (قده) من الرجوع إلى أصالة البراءة في الجهات المزبورة لا يتمّ إلا في الجهة الأخيرة خاصة.[2]

جمع‌بندی: برآیند نهاییِ تقریر آقای خوئی چنین است: نخست، «تنجّز علم اجمالی در تدریجیات» قاعده‌ای عام است که اطرافِ زمانی علم اجمالی را نیز مانند اطرافِ دفعی، از شمولِ اصول ترخیصی خارج می‌کند. دوم، اطلاق/اشتراطِ نفسیتِ محتمل با ظرفِ زمان تعیین‌کننده است: اگر نفسیتِ منحصر در «قبلِ وقت» تصویر شود، علم اجمالی «قبل/بعد» مانعِ برائت و مقتضی احتیاط است؛ و اگر نفسیتِ مطلق باشد، «برائت از قبل‌الوقت» بی‌مورد است و تنها برائت از قیدِ «وقوع بعدالوقت» در فرضِ وضوی سابق جریان می‌یابد. به‌همین ملاک، سه‌گانه برائت‌های پیشین - به نحوی که محقق نائینی «قده» تقریر فرموده‌اند - در همهٔ جهاتِ تمام نیست؛ بلکه نهایتاً در «جهتِ اخیر» (نفی لزوم اعادهٔ وضوء بعدالوقت برای متوضّی قبل‌الوقت) وجه دارد.

در نتیجه، تکلیف امتثالی مکلف در چهارچوب این مبنا روشن است: در فرضِ نفسیتِ مقید، احتیاط با اتیان وضوء قبل از وقت لازم است و در صورت بقای طهارت، اعاده لازم نمی‌آید؛ و در فرضِ نفسیتِ مطلق، پس از وقت، تحصیلِ وضوء قطعی است، و اگر وضوء قبل از وقت باقی باشد، به‌سببِ جریانِ برائت در قیدِ «وقوع بعدالوقت»، اعاده نفی می‌گردد. بدین‌سان، اشکال محقق خوئی بر مسلکِ محقق نائینی در صورت دوم، بر پایه تنجّز علم اجمالی زمانی و تحدید مجاری صحیحِ برائت استوار است، و خللِ مورد اشاره - به تعبیر ایشان - از همین‌جا رخ می‌نماید.

تحلیل تفصیلی آقای روحانی درباره اشکال محقق خوئی

آیت الله سید محمد روحانی در منتقى الأصول، گزارش و تحلیلی منظم از تقریر آیت‌الله خوئی در صورت دوم ارائه می‌کند و بر پایه آن، سه جریانِ برائتی که محقق نائینی در این صورت تصویر کرده بود را به محک نقد می‌زند. نقطه عزیمت بحث نزد ایشان این است که در این صورت، علم اجمالی به اصلِ وجوب وضوء داریم و تردید در نفسیتِ غیریتِ آن باقی است؛ نیز نسبت به تماثلِ وضوء و صلاة از حیث اطلاق/اشتراطِ زمانی علم نداریم، هرچند در باب صلاة قطع به اشتراطِ دخولِ وقت داریم. با این فرضِ زمینه‌ای، آقای روحانی دو صورتِ زمانی را تفکیک می‌کند و بر مبنای قاعده «تنجّز علم اجمالی در تدریجیات» و ضوابط اجرای اصول عملیه، نتایج را سامان می‌دهد.

دو فرض زمانی در صورت محل بحث

فرض نخست: نفسیتِ احتمالی وضوء مقید به «قبل از وقت» است. در این فرض، صورتِ علم اجمالی زمانی چنین است: اگر وجوب وضوء نفسی باشد، فقط «قبل از وقت» ثابت است؛ و اگر وجوب وضوء غیری باشد، «بعد از وقت» به تبع فعلیت وجوبِ صلاة ثابت خواهد بود. این علم اجمالی «قبل یا بعد» به‌تصریح مبنای محقق خوئی در هر دو ظرفِ زمانی منجّز است؛ بنابراین، نمی‌توان هم‌زمان اصالة البراءة را نسبت به «وجوب نفسی وضوء قبل‌الوقت» و نسبت به «تقیید صلاة به وضوء بعدالوقت» جاری کرد؛ زیرا جمع این دو اصل ترخیصی، در نهایت به «ترک وضوء مطلقاً» منجر می‌شود که مخالفة قطعیة عملیه با علم اجمالی است. مقتضای امتثال در این فرض، احتیاط است؛ یعنی وضوء را قبل از وقت انجام بده و صلاة را مقید به آن اتیان کن. اگر وضوء قبل از وقت تا بعد از وقت باقی بود، دیگر اعاده لازم نیست و همان وضوء پیشینی کفایت می‌کند، هرچند تحققش «قبل‌الوقت» از باب وجوبِ نفسی الزام‌آور نبوده باشد؛ اما اگر وضوء سابق باطل شد، پس از وقت باید به

مقتضای حکم عقل تدارک شود.

فرض دوم: نفسیت احتمالی وضوء «مطلق» است و نه مقید به قبل. بر این مبنا، اگر وجوب وضوء نفسی باشد، «قبل و بعد وقت» بالسویه در دایره امتثال قرار می‌گیرد؛ و اگر غیری باشد، وجوبش مقید به «بعد از وقت» و در معیت وجوب صلاة است. در این فرض، آقای روحانی سه «جهت برائت»ی را که محقق نائینی تصویر کرده بود، به تفکیک بررسی و نقد می‌کند.

نقد سه جریان برائتی منسوب به محقق نائینی در فرض دوم

الف) برائت از تقیید صلاة به وضوء. اشکال روشن است: همان ملاک پیشین محقق خوئی بازمی‌گردد؛ علم اجمالی داریم به «وجوب نفسی وضوء یا وجوب تقیید صلاة به وضوء». در چنین ترسیمی، اصالة البراءة در یکی از آن دو، با اصالة البراءة در دیگری معارض است؛ زیرا هر دو اصل در عرض یکدیگر نقش «مؤمن» یافته و با هم به ترک الزام منتهی می‌شوند. بنابراین، برائت بی‌معارض در تقیید جریان ندارد.

ب) برائت از وجوب نفسی وضوء «قبل از وقت». آقای روحانی این مورد را به ملاک امتنانی برائت مردود می‌شمارد: چنین برائتی «دایره واجب را تنگ و افراد تخیری امتثال را کم می‌کند» و این برخلاف مقتضای امتنانی بودن برائت است. توضیح آن‌که اگر نفسیت وضوء مطلق باشد، مکلف در امتثال تکلیف نفسی اختیار دارد آن را «قبل» یا «بعد» انجام دهد؛ تمسک به برائت برای نفی وجوب قبل‌الوقت، عملاً سعه امتثال را محدود و مکلف را مضیق می‌کند، حال آن‌که برائت برای رفع ضیق است نه رفع سعه. پس در هر موردی که نتیجه برائت «تضییق» بر مکلف باشد، جریان آن ممنوع است.

ج) برائت از «وجوب اعاده وضوء بعد از وقت» برای کسی که قبل از وقت وضوء گرفته است. آقای روحانی این مورد را می‌پذیرد، اما «وجه علمی» آن را دقیق‌تر سامان می‌دهد: بر تقدیر غیریت، مقدار معلوم فقط «اصل تقیید صلاة به وضوء» است، نه تقیید به «وضوئی که حتماً بعد از وقت انجام شود». پس خصوصیت «بعدالوقت» مشکوک است و با اصالة البراءة نفی می‌شود. وی در عین پذیرش نتیجه، بر بیان محقق نائینی خرده می‌گیرد؛ یعنی این‌که گفته شود «وجوب وضوء بعد از وقت برای کسی که قبل از وقت وضوء نگرفته معلوم است، و نسبت به کسی که وضوء گرفته معلوم نیست؛ پس برائت جاری است»؛ از نظر آقای روحانی این تعبیر «علمی» نیست. معیار علمی آن است که نشان دهیم «قید وقوع وضوء بعدالوقت» در قلمرو معلوم اجمالی نیامده است؛ از این رو، قابل رفع به برائت است.

جمع‌بندی نتایج در دو فرض

در فرض نخست (نفسی قبل/غیری بعد): علم اجمالی زمانی منجز است؛ تعارض برائت‌های دوگانه در «قبل/بعد» اجازه جریان نمی‌دهد؛ مقتضای قاعده، احتیاط است: اتیان وضوء قبل از وقت و اتیان صلاة بر وجه مقید. اگر وضوء باقی بماند، اعاده لازم نیست؛ و اگر باطل شود، پس از وقت تدارک می‌شود.

در فرض دوم (نفسی مطلق/غیری بعد): برائت در تقیید صلاة به وضوء جاری نیست (برای معارضه با برائت از نفسیت وضوء)؛ برائت از وجوب نفسی وضوء قبل‌الوقت نیز جاری نیست (چون تضییق و خلاف امتنان است)؛ تنها برائت از لزوم «اعاده وضوء بعدالوقت برای متوضی قبل‌الوقت» جاری است؛ زیرا قید «بعدالوقت» در تقیید، داخل در معلوم نیست و شک در آن به برائت سپرده می‌شود.

بر این اساس، آیت الله روحانی دو رکن مبنایی را هم‌زمان حفظ می‌کند: نخست، «العلم الإجمالی فی التدریجیات مُنَجَّز کغیره»؛ به این معنا که تفاوت ظرف زمانی (قبل/بعد) مانع از تنجیز علم اجمالی نیست و اصول ترخیصی را از اطراف آن ساقط می‌کند. دوم، قاعده امتنانی در برائت: برائت برای توسعه و رفع کلفت است و هر جا نتیجه‌اش تضییق دایره امتثال یا کاهش بدیل‌های تکلیف باشد، جریانش ناموجه است. بدین‌سان، با حفظ این دو معیار، هم تبیین تعارض اصول در فرض نخست روشن می‌شود،

و هم تنها مورد مجازِ براءت در فرض دوم به دقت شناسانده می‌گردد. ایشان در مقامِ تقریر، به صراحت از دو صورت سخن می‌گویند:

و قد ذكر السيد الخوئي في مقام تحقيق هذه الصورة: إنه يمكن أن تتصور على وجهين: الأول: أن يكون هناك علم إجمالي بوجوب الوضوء المردد بين النفسي والغيري من دون علم بالتماثل مع الصلاة في الإطلاق والاشتراط، لكن يعلم أنه إن كان وجوب الوضوء نفسياً فهو ثابت قبل الوقت فقط، وإن كان غيرياً فهو ثابت بعد الوقت... و قد تقرّر في محلّه أنّ العلم الإجمالي في التدريجيات منجزٌ كغيره... و عليه فمقتضى العلم الإجمالي الإتيان بالوضوء قبل الوقت و الإتيان بالصلاة متقيّدهً به... الثاني: أن يعلم إجمالاً بوجوب الوضوء المردد بين النفسي والغيري بلا علم بالتماثل، لكنه يعلم أنه إن كان غيرياً فهو مقيد بالوقت وإن كان نفسياً فهو غير مقيد به، بل مطلق بالنسبة إلى ما قبل الوقت وبعده. و ما أفاده المحقق النائيني في الجهات الثلاث لا يخلو من خدشة... [3]

در ادامه، صاحب «المنتقى» هر سه جهت را جداگانه نقد می‌کند:

... أمّا ما أفاده من جريان البراءة في الشك في تقيد الصلاة بالوضوء. فجهة الخدشة فيه: ما مرّ من عدم انحلال العلم الإجمالي بوجوب الوضوء أو التقيد... و أمّا ما أفاده من جريان البراءة في الشك في الوجوب النفسي للوضوء قبل الوقت فيخذه: بعدم إمكان البراءة... و أمّا ما أفاده من جريان البراءة من الوضوء بعد الوقت لو أتى به قبله... فهو في نفسه وإن كان تاماً، إلا أن الذي ينبغي أن يذكر في وجهه علمياً هو: أن المعلوم على تقدير الغيرية هو أصل تقيد الواجب بالوضوء، و أمّا تقيده به على أن يؤتى به بعد دخول الوقت فهو غير معلوم، فتنفى الخصوصية المذكورة بالبراءة... فهو وجه ليس بعلمي. [4]

نتیجه پایانی: تحلیل آقای روحانی از اشکال محقق خوئی بر محقق نائینی، تصویری روشن از حدود مجاری براءت در صورت دوم به دست می‌دهد: در فرض نخست، علم اجمالی زمانی، اصول را از اطراف ساقط و احتیاط را لازم می‌کند؛ و در فرض دوم، دو جریان براءت مورد ادعای محقق نائینی (نفي تقييد صلاة و نفي وجوب نفسي قبل الوقت) یا به سبب تعارض اصول، یا به سبب مخالفت با ملاک امتنانی، مردود است؛ تنها مورد تمام، نفي قيد «بعد الوقت» در فرض متوضی قبل الوقت است. این جمع‌بندی، ضمن وفاداری به مبانی محقق خوئی در «تنجز علم اجمالی در تدريجيات» و «امتنانی بودن براءت»، منطق صناعی نقد بر تقریر محقق نائینی را یکدست و قابل اتکا می‌سازد.

نقد امتنان در جریان براءت و بازخوانی تقریر آقای خوئی در فرض تقدّم وضو بر وقت

به نظر ما، بحث در این است که در مقام اجرای اصل ترخیصی، آیا «امتنان» شرط جریان است و قلمرو آن به موارد مستند به حدیث رفع محدود می‌شود، یا ملاک، «اثر عملي توسعه بخش» برای مکلف است اعم از اینکه مستند، حدیث رفع باشد یا استصحاب عدم تکلیف. سپس در فرض تقدّم وضو بر وقت، محل صحیح شک و مجرای معتبر اصل کجاست: در اصل تقييد صلاة به وضو؟ در نفي وجوب نفسي وضو قبل الوقت؟ یا در نفي قيد زائد «وقوع وضو در داخل وقت»؟ در تقریر صاحب «المنتقى» دو نکته اساسی وجود دارد:

نکته نخست: امتنان، تنها در فرضی تصویر دارد که مستند حکم ترخیصی، حدیث رفع باشد؛ اگر مستند، استصحاب عدم تکلیف است، امتنان سالبه بانتفاء الموضوع است و نقشی در حجیت ندارد.

نکته دوم: اطلاق عنوان «براءت» بر مواردی که مستندشان استصحاب عدم تکلیف است، صرفاً تسامح در تعبیر است و خلط عناوین.

نقد نسبت به نکته دوم (نام گذاری براءت)

این نسبت دادن به محقق نائینی که او استصحاب عدم تکلیف را «براءت» می‌نامد، خلاف ظاهر فوائد الأصول و نیز أجود

التقریرات است. ظاهر کلمات محقق نائینی نه بر این است که «استصحاب» را داخل در عنوان «برائت» بدانند، و نه بر آن است که هر مورد نفی تکلیف را تحت یک عنوان یکسان گرد آورد. بلکه او میان «برائت» (به عنوان اصل حاکمی از رفع مؤاخذة یا رفع حکم مجهول) و «استصحاب عدم تکلیف» (اصل محرز در موضوعات حکم) قائل به تفکیک است؛ اگر در بعض تعابیر از «رفع الزام» با لسان واحد یاد شده، ناظر به اثر است نه خلط مبانی اصول.

بازخوانی ملاک «امتنان» نزد آقای خوئی: توسعه عملی، نه صرف تعبیر

در محاضرات آقای خوئی تعبیر «امتنان» به این اصطلاح نیامده است؛ معیار ایشان «اثر عملی توسعه بخش» است که از اجرای اصل حاصل می شود: مفاد أصالة البراءة رفع الضيق عن المكلف لا رفع السعة و الإطلاق. بر این مبنا: اگر کسی بخواهد «برائت» از وجوب نفسی وضو المقید بقبل الوقت را جاری کند، نتیجه عملی آن توسعه نیست؛ بلکه عملاً به اثبات غیریت وجوب وضو و تضییق دایره بدیل های امتثال می انجامد. در چنین موردی، اصل ترخیصی کارکرد «رفع ضیق» ندارد و جریانش ممنوع است؛ فارغ از اینکه مستند اصل، حدیث رفع باشد یا استصحاب عدم تکلیف. پس ملاک عدم جریان، عدم ترتب توسعه است، نه صرف فقد عنوان «امتنان» به معنای اصطلاحی.

فرض تقدّم وضو بر وقت؛ محل صحیح شک و مجرای اصل

آقای روحانی در «قسم سوم» از بحث (فرض تحقق وضو قبل الوقت و تردید در لزوم اعاده پس از دخول وقت)، ضمن پذیرش نتیجه نهایی محقق نائینی (عدم لزوم اعاده به مقتضای اصل)، به شیوه تقریر اشکال می کند و صورت علمی صحیح را چنین تنظیم می نماید:

گام اول: تقیید صلاة به «اصل وضو» را در فرض غیریت مسلم می گیریم. اینجا مجرای برائت نیست؛ زیرا اصل، در مجعول قابل جعل/رفع معلوم الحد جاری نمی شود.

گام دوم: محل شک را به «قید زائد» برمی گردانیم: آیا لازم است «خود وضو» حتماً «بعد از دخول وقت» محقق شود، یا تحقق آن «قبل از وقت» (با بقای طهارت تا بعد) کفایت می کند؟ قید «وقوع وضو در داخل وقت» مشکوک است و داخل در معلوم اجمالی نیست؛ لذا نسبت به همین قید حدوئی زائد، «أصالة البراءة» جاری و الزام اعاده نفی می شود.

نتیجه: ساختار صحیح آن است که «اصل تقیید صلاة به وضو» مفروض و خارج از قلمرو اصل دانسته شود، و برائت صرفاً در نفی قید زمانی زائد (وقوع داخل وقت) به جریان افتد. این تصویر هم با قاعده — یعنی مجرای اصل مجعولات است — سازگار است، هم از خلط حیث ها و تعارض اصول پیشگیری می کند.

نسبت نقد صاحب «المنتقى» با صاحب «المحاضرات»: تفاوت روش

در منتقى الأصول، اشکال بر محور «امتنان» و نام گذاری «برائت» سامان یافته است: در موارد مستند به استصحاب، امتنان موضوع ندارد و اطلاق «برائت» تسامحی است؛ پس جریان اصل به ملاک امتنانی مخدوش. این خط نقد، ناظر به معیار جریان برائت (رفع کلفت) است. در محاضرات، نقد آقای خوئی ناظر به «تنظیم صحیح محل شک و جای جریان اصل» است: تقیید صلاة به اصل وضو مفروض، و محل برائت، نفی قید وقوع وضو در داخل وقت. این خط تحلیل، ناظر به صناعت و تعیین دقیق مجرای اصل است، نه اصطلاح پردازی «امتنان».

جمع بندی

نسبت امتنان و جریان اصل: به مبناى آقای خوئی، ملاک اصلی «اثر توسعه بخش» است؛ هر جا نتیجه اصل، تضییق دایره امتثال یا کاهش بدیل های مکلف باشد، اصل جاری نیست؛ خواه مستندش حدیث رفع باشد یا استصحاب عدم تکلیف. بنابراین، حصر امتنان به موارد حدیث رفع، در نتیجه گیری بی تأثیر است.

نسبتِ عنوان «برائت» با استصحاب: ظاهرِ کلماتِ محقق نائینی دلالت بر خلط عناوین ندارد؛ او استصحاب را استصحاب و برائت را برائت می‌خواند؛ اگر هم در برخی سیاقات، از «رفع الزام» با لسان واحد سخن می‌گوید، ناظر به اثر است، نه اتحاد مبنا.

محل صحیح اجرای اصل در فرض تقدّم وضو: نه نفی اصل تقیید صلاة به وضو، و نه نفی وجوبِ نفسی قبل الوقت، بلکه نفی قید زائد «وقوع وضو در داخل وقت»؛ بدین معنا که وضوی محقق قبل الوقت، در فرض بقای طهارت، برای صلاة پس از وقت کفایت دارد و اعاده لازم نیست.

بر این اساس، بازخوانی محاضرات نشان می‌دهد که راه درست، پرهیز از تسامح در نام‌گذاری و تمرکز بر «تنقیح دقیق موضوع شک» و «تعیین مجرای واقعی اصل» است: اصل، در قید زائد جاری می‌شود و توسعه عملی می‌آورد؛ و این، همان وجه صناعی موجهی است که آیت الله خوئی بر آن پای می‌فشارد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] - محمدحسین نائینی، أجود التقريرات، با ابوالقاسم خویی (قم: مطبعة العرفان، 1352)، ج 1، 170-171.
- [2] - ابوالقاسم خویی، محاضرات فی أصول الفقه، با محمد اسحاق فیاض (قم: دارالهادی، 1417)، ج 2، 394.
- [3] - محمد الروحانی، منتقى الأصول (قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، 1413)، ج 2، 233.
- [4] - همان، 233-234.

منابع

- الروحانی، محمد. منتقى الأصول. ۷ ج. قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، 1413.
- خویی، ابوالقاسم. محاضرات فی أصول الفقه. با محمد اسحاق فیاض. ۵ ج. قم: دارالهادی، 1417.
- نائینی، محمدحسین. أجود التقريرات. با ابوالقاسم خویی. ۲ ج. قم: مطبعة العرفان، 1352.